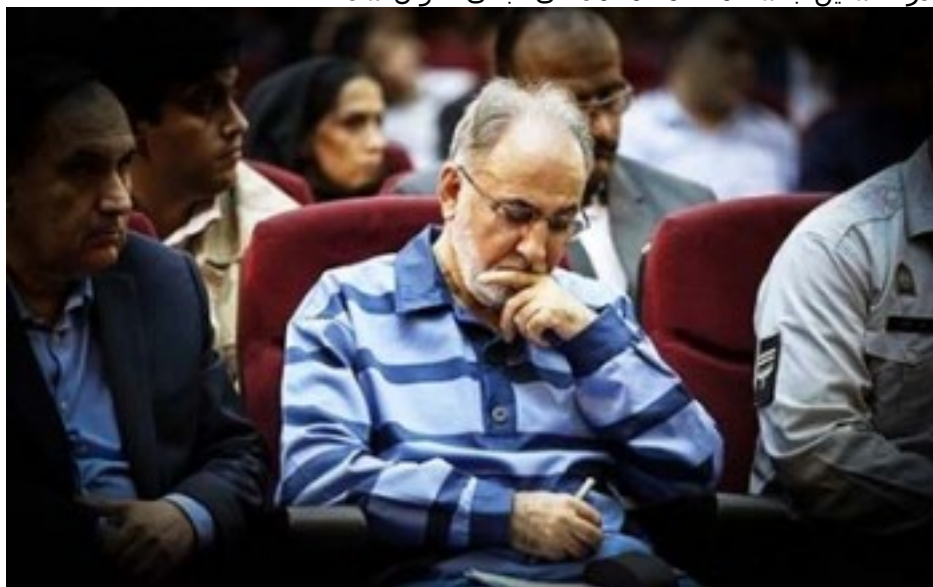


شهردار سابق تهران در نامه ای با بیان این که میترا پس از ارتباط با یک دیپلمات، مسلمان شده نوشته: او می‌گفت تا به تو خیانت نکنم دست‌بردار نخواهم بود.

در نخستین جلسه محاکمه محمدعلی نجفی عنوان شد؛



به گزارش اسپادانا خبر و به نقل از جی پلاس، قاضی محمدرضا محمدی کشکولی در نخستین جلسه محاکمه محمدعلی نجفی شهردار سابق تهران به اتهام قتل عمد میترا استاد همسر دومش اظهار کرد: قبل از اعلام رسمیت دادگاه تذرکراتی را در راستای جلسه قانون آئین دادرسی کیفری و به منظور تنویر اذهان عمومی و رسانه‌ها بیان می‌کنم.

وی اضافه کرد: همانطور که استحضار دارید برای برپایی یک دادرسی الزاماتی وجود دارد که رعایت آن الزامات ضروری است. در همین راستا به موجب مقررات ماده 400 قانون آئین دادرسی کیفری محاکمات در دادگاه‌های کیفری یک به صورت ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه ضبط تصویری شده و انتشار آن بدون اجازه دادگاه ممنوع است.

رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران افزود: به موجب تبصره 2 ماده 353 قانون آئین دادرسی کیفری انتشار جریان رسیدگی به گزارش پرونده در محاکمات علنی که متضمن بیان مشخصات شاکی و متهم است؛ به درخواست دادستان کل کشور و موافقت رئیس قوه قضائیه با این درخواست امکان‌پذیر است که در این پرونده این مهم انجام و رئیس قوه قضائیه با درخواست دادستان کل کشور مبنی بر انتشار جریان رسیدگی پرونده موافقت کرده است.

وی ادامه داد: از رسانه‌ها انتظار می‌رود در چارچوب موازین قانونی به انتشار اخبار پردازند و پرداختن به مسائل حاشیه‌ای پرهیز کنند و در این پرونده که موجب تشویش اذهان عمومی شد بی‌شک دخالت برخلاف موازین قانونی رسانه‌ها بی‌تأثیر نبود.

کشکولی ادامه داد: در جرائم مهم به اعتبار میزان مجازات و آسیب اجتماعی که جرم در جامعه دارد بویژه در این پرونده قاعده طلایی یعنی حفظ صحنه جرم از اهمیت بسیاری برخوردار است و رسانه‌ها نباید بدون نظر قضایی در مرحله تحقیقات نقش بازپرس و مقام قضائی را ایفا کنند اما در پرونده حاضر در مرحله تحقیقات مقدماتی مقام قضایی در چارچوب موازین در صحنه حضور داشت و پس از کشف جرم تمام اقدامات لازم را به عمل آورد.

رئیس شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران گفت: متأسفانه در این پرونده برخی دستگاه‌های اجرایی سعی کردند در امور قضایی دخالت کنند و باعث تشویش اذهان عمومی شدند.

کشکولی در ادامه به نماینده دادستان، اولیای دم، وکلای اولیای دم، متهم و وکلای وی تذکر داد که اخلاق را رعایت کنند و مطالبی بر خلاف حقیقت بیان نکنند.

قاضی محمدی کشکولی در ابتدای این جلسه با بیان اینکه این پرونده قتل خانوادگی است و احتمال دارد بعداً نیز در جامعه روی دهد، گفت: برای اینکه در این دادرسی نقش بی‌طرفی و حقوق شهروندی را رعایت کنیم، به نماینده دادستان، اولیای دم، آقای نجفی و وکلای متهم تذکر می‌دهم اخلاق را رعایت کنند.

شهرداری سپس به نماینده دادستان از وی خواست کیفرخواست را بخواند.

محمد شهبازی معاون دادستان تهران و سرپرست دادرسی امور جنائی به قرائت کیفرخواست پرداخت و گفت: آقای محمدعلی نجفی فرزند احمدعلی 66 ساله، بازنشسته با قرار بازداشت موقت به تاریخ 8 خرداد 98 متهم است: 1- مباشرت در قتل عمدی مرحوم میترا استاد 36 ساله همسر خود با سلاح گرم، 2- حمل و نگهداری سلاح و مهمات جنگی غیرمجاز، 3- ایراد صدمه بدنی منتهی به غیرفوت.

وی به قرائت ادامه متن کیفرخواست پرداخت و گفت: ساعت 12:30 روز 7 خرداد کلاتری 134 شهرک غرب در جریان وقوع قتلی در آدرس تهران - میدان صنعت، نیش بلوار خوردین، طبقه 7 برج دوبرال، واحد 2701 قرار گرفت. بلافاصله بازپرس اکیب جرم و تشخیص هویت و بنده در صحنه جرم حاضر شدیم. مرحوم در وان حمام به قتل رسیده و آثار خونریزی از ناحیه پهلو و دست وی وجود داشت.

دستنویشته نجفی پس از قتل میترا استاد؛ کار را به جایی رساند که راهی جز قتل باقی نماند

وی افزود: "دستنویشته‌ای کشف شد که در آن نوشته شده بود در طول یک سال و اندی گذشته تمام سعی خود را کردم بدون خونریزی، مشکلات را حل کنیم، اما هیچ توصیه‌ای را پذیرا نبود و در مقابل پیشنهاد من مبنی بر طلاق و دریافت حق و حقوق مقاومت می‌کرد، می‌گفت تا به تو خیانت نکنم دست‌بردار نخواهم بود، بالاخره کار را به جایی رساند که جز آنچه انجام دادم باقی نماند، از نظر من مهدورالدم بود. از دیروز با مردهای اجنبی تماس گرفت و می‌گفت روابطش را زنده می‌کند، تهمت‌های رنگارنگ به من می‌زد".

شهبازی تصریح کرد: با کسب چنین دست‌نویشته‌ای چنین احتمال می‌رفت که آقای نجفی قاتل باشد آثار پاشیدن خون تا در حمام و داخل وان قابل رویت بود همچنین آثار شلیک چند گلوله به در و دیوار و ورود و خروج گلوله بر روی یک بالش مشاهده می‌شد.

نماینده دادستان تهران ادامه داد: دوربینهای مداربسته نشان می‌داد ساعت 11:43 روز قتل آقای نجفی کیف کوچکی در دست دارد و در حال خروج از ساختمان است، قبل از خروج وی راننده وی آقای فرهاد آقازاده به در واحد منزل آقای نجفی مراجعه و دو عدد کیف را خارج کرد.

سرپرست دادرسی امور جنایی تهران به تحقیقات به عمل آمده از راننده آقای نجفی اشاره کرد و گفت: فرهاد (راننده آقای نجفی) در اظهارات خود می‌گوید ساعت 9:26 همان روز (روز وقوع قتل) دکتر نجفی تماس گرفت و گفت به آدرس بروم که من ابتدا به پارکینگ ساختمان مذکور رفتم و پس از 3 بار تماس با آقای نجفی، جوابی نگرفتم، سپس به مقابل واحد رفتم، زنگ زد که دکتر در را باز کرد و با دادن دو کیف به من، گفت: کیف‌ها را نزد دخترش زهرا ببرم و از من خواست پایین ساختمان بایستم تا با من تماس بگیرد، ساعت 10:14 آقای نجفی تماس گرفت و گفت کیف قهوه‌ای را بیاور، کیف را به او دادم و مجدداً به من بازگرداند که من کیف‌ها را نزد دختر آقای نجفی بردم، نامه‌ای داخل آنها بود، سپس همراه با دختر آقای نجفی به منزل آنها بازگشتیم که پسر میترا به هویت مهیار 16 ساله از پشت سر همراه ما وارد خانه شد، در اتاقها را باز کردیم که در نهایت با جسد میترا مواجه شدیم، مهیار گفت بابا مادرم را کشته که ساعت 12:28 با 110 تماس گرفتیم.

شهبازی خاطر نشان کرد: آقای فرهاد آقازاده (راننده آقای نجفی می‌گوید) آقای نجفی را در همان ابتدا با شلوارکی خونین و پای زخمی دیده است.

سرپرست دادرسی امور جنایی با حضور در جایگاه به قرائت کیفرخواست پرداخت و گفت: مهیار صفری، پسر 16 ساله میترا استاد در تحقیقات به عمل آمده می‌گوید: در ساعت 12:20 تا 12:30 مورخ 7 خرداد 98 به داخل منزل مادرم برای گرفتن پول آژانس مراجعه کردم دیدم دو نفر غریبه (راننده و داماد آقای نجفی) همراه با دختر وی مقابل در هستند، پس از ورود به منزل با پیکر خونین مادرم مواجه شدم، فکر نمی‌کردم مرده باشد از دختر آقای نجفی خواستم با اورژانس تماس بگیرد و هر چه با نجفی تماس می‌گرفتم تلفن همراهش خاموش بود، نجفی از شب گذشته در آپارتمان بود، صبح حدوداً ساعت 9 می‌خواستم از خانه خارج شوم که آقای نجفی داخل خانه بود، آقای نجفی با مادرم درگیری لفظی و بدنی داشت و گفته بود در خانه اسلحه ندارد.

نماینده دادستان تهران در ادامه قرائت کیفرخواست اظهارات زهرا نجفی را نیز عنوان کرد و گفت: زهرا نجفی در تحقیقات می‌گوید "آقای آقازاده (راننده بابا) آمد، دو عدد کیف همراه داشت گفت می‌خواهد به سمت منزل آقای نجفی برود که من و همسر من نیز با وی رفتیم، پشت در آپارتمان بودیم که از راننده خواستم چند بار در بزنم، در نهایت با کلید در را باز کردیم که پسر خانم استاد نیز رسید، به اتاق خواب و سمت سرویس بهداشتی رفتیم که دیدیم حمام پر از خون است به بدن خانم استاد دست زدیم که بدن وی سرد بود".

شهبازی ادامه داد: در ادامه رسیدگی به پرونده با توجه به کشف دو عدد کیف از صحنه جرم، به منزل زهرا نجفی در ولنجک رفتیم کیف‌ها به همراه 3 برگ پشت و رو، 6 عدد گوشی پوشانده شده در فویل آلومینیوم متعلق به آقای نجفی، فرزند مقتول و مقتول وجود داشت.

سرپرست دادرسی امور جنایی تهران متذکر شد: در نوشته‌ها آمده بود "مطالب را به مختصر می‌نویسم، البته دوست ندارم برخی از این مسائل در سطح عمومی پخش شود، میترا استاد اردیبهشت 96 به دیدن من آمد، آن موقع خیلی محجبه و با چادر

و روسری بود، پس از مدتی تقاضای دیدار خصوصی از من کرد که آن دیدار منجر به آمدن احساس علاقه بین طرفین شد، میترا می‌گفت مطلقه و مسلمان است اما مشخص شد که قبل از مسلمان شدن با فردی رابطه داشته، بعد با دیپلماتی آشنا و مسلمان شد، چند بار با افراد مختلف عقد کرده بود، در نهایت با بافتن دروغ‌هایی در تیرماه به عقد موقت من درآمد که خیلی اشتباه کردم."

در این حین قاضی محمدی کشکولی به نماینده دادستان بابت ارائه برخی مسائل در دادگاه تذکر داد و گفت: برخی از مسائل باید در دادگاه غیرعلنی مطرح شود.

شهریاری در ادامه قرائت کیفرخواست و خواندن نامه‌های کشف شده از آقای نجفی گفت: داخل نامه آمده بود "مشکلات بیشتر می‌شد، میترا توهین می‌کرد و تهمت می‌زد، این مسائل مرا به اینجا رساند که وی مههورالدم است که چنین کاری کردم و تقاضای عفو دارم."

شهریاری در قرائت ادامه کیفرخواست محمدعلی نجفی در شعبه نهم دادگاه کیفری یک استان تهران اظهار کرد: از آنجایی که احتمال خودکشی نجفی می‌رفت اقدامات لازم برای یافتن او انجام شد و منزل همسر و دختر وی مورد بررسی قرار گرفت و با تمام دوستان و آشنایان او تماس گرفته شد تا اینکه مشخص شد نجفی ساعت 17 همان روز خود را به پلیس معرفی کرده است.

سرپرست دادرسی جنایی تهران ادامه داد: متهم در همان مراحل ابتدایی اعتراف به قتل کرده انگیزه خود را اختلافات خانوادگی اعلام کرده است. متهم در نیروی انتظامی گفته که خشاب از قبل در سلاح بود ولی مسلح نبود و وقتی که به طرف حمام رفتم آن را مسلح کردم که البته کار اشتباهی بود.

شهریاری افزود: متهم همچنین نزد دادرسی جنایی گفته است که حدود 8 ماه عقد موقت و یکسال عقد دائم دارم و در تمام این زمان درگیری و جنگ و جدل وجود داشته است و مقتوله به تمام اعضای خانواده توهین می‌کرد و حتی در برخی موارد در اختلافاتمان به درگیری فیزیکی می‌انجامید و چند بار هم منجر به ضرب و جرح شد یکی دو بار نیز مقتوله اقدام به چاقوکشی کرد.

وی گفت: نجفی در اظهارات خود گفته است که چند بار به مقتوله پیشنهاد طلاق داده اما مقتوله گفته که باید از همسر اول و دختر او انتقام بگیرد. طبق اظهارات متهم شب قبل از قتل نیز با هم درگیر می‌شوند و ساعت 1 یا 2 به خواب می‌روند. صبح، فرزند مقتوله به مدرسه می‌رود و مقتوله طبق اظهارات متهم مجدد شروع به فحاشی کرده و می‌گوید می‌خواهم به حمام و سپس به بیرون بروم.

شهریاری افزود: نجفی به مقتول می‌گوید که کجا می‌خواهی بروی که مشاجره ادامه می‌یابد. او گفته است مقتوله لباسهای خود را درآورد و وارد حمام شد و من اسلحه سازمانی را برداشتم و یک بالش نیز از روی تخت برداشتم تا او سلاح را نبیند. همسر من هنوز وارد وان نشده بود که اسلحه را به او نشان دادم اما در این لحظه یک تیر از بالش عبور کرد و بالش افتاد و بعد از آن چند تیر دیگر نیز شلیک شد.

نماینده دادستان افزود: همچنین متهم گفته بعد از این اتفاق اسلحه را برداشتم و سر مزار پدرم در قم رفتم و می‌خواستم خودکشی کنم؛ سپس به حرم حضرت معصومه رفتم و سلاح را داخل کیف به خادم حرم دادم و خادم مرا شناخت و به من گفت که شما می‌توانید کیف را به داخل حرم ببرید. پس از زیارت به میدان هفتادودو تن برگشتم و از آنجا به ترمینال جنوب آمدم و سپس خودم را به پلیس معرفی کردم.

وی افزود: متهم نزد بازپرس گفته است که سلاح از قبل مسلح بوده و در حالی که در نیروی انتظامی می‌گویم قبل از رفتن به حمام سلاح را مسلح کردم و متهم همچنین نزد بازپرس اعتراف کرده که دستنوشته‌ها را خودش نوشته است.

نماینده دادستان در ادامه به اعترافات متهم اشاره کرد و گفت: متهم نجفی انگیزه خود را از قتل اختلافات خانوادگی بیان کرده است و آلت قتاله یک سلاح کمری برتا است که تا 27 بهمن سال 94 دارای مجوز بوده اما بعد از آن تمدید نشده و متهم به این مسئله اعتراف دارد.

شهریاری گفت در زمان وقوع جنایت هیچ شاهدهی وجود نداشته و فقط راننده متهم می‌گوید در زمان بعد از جنایت که کیف‌ها را تحویل گرفته مشاهده می‌کند پای چپ نجفی خون‌آلود است و وقتی از او سوال می‌کند می‌گوید به خاطر درگیری با میترا استاد است.

وی با بیان اینکه گلوله طبق نظریه کارشناس از فاصله بیش از یک متر و کمتر از 5 متر شلیک شده است، به بررسی دوربینهای مداربسته ساختمان اشاره کرد و گفت: ابتدا مشاهده می‌شود در تاریخ 7 خرداد 98 راننده به هویت فرهاد آقازاده فرزند احمد در ساعت 10:08 دقیقه به داخل ساختمان وارد و تعداد دو عدد کیف از متهم تحویل می‌گیرد و ساعت 10:19 خارج می‌شود و ساعت 11:43 متهم به همراه یک کیف دستی کوچک از ساختمان خارج شده و سپس راننده و دختر وی وارد ساختمان شده و با صحنه قتل مواجه می‌شوند و هیچکدام از اهالی ساختمان صدای گلوله را نشنیده اما صدای درگیری را می‌شنوند.

سرپرست دادرسی جنایی در ادامه قرائت کیفرخواست به انگیزه متهم از وقوع قتل اشاره کرد و گفت: براساس یک برگ

دست‌نوشته در منزل متهم عدم پیشنهاد قبول طلاق اختلافات خانوادگی، تماس با برخی افراد و مهدورالدم بودن انگیزه متهم از قتل عنوان شده است. متهم همچنین در دست‌نوشته دیگری که در منزل دختر وی یافت شده ارتباط با برخی افراد و توهین و تهدید را انگیزه قتل عنوان کرده است.

شهریاری اضافه کرد: حسب نظریه کارشناسی دست‌نوشته‌های مقتول با دستخط نجفی تطبیق شده و متهم درباره مهدورالدم اعلام کردن میترا استاد گفته است در نامه‌ای که به دخترم نوشته‌ام توضیحات بیشتری دادم و چون فکر می‌کردم به خاطر قتل، تحت فشار قرار می‌گیرم عنوان مهدورالدم را به کار بردم تا ابزار برای خارج شدن از تحت فشار داشته باشم و این موضوع پس از قتل به ذهنم رسید و نه قبل از آن.

وی گفت: متهم همچنین در جای دیگری در پرونده اختلافات زناشویی و دعوا را انگیزه قتل خود عنوان کرده و موضوع مهدورالدم بودن را نفی می‌کند.

سرپرست دادسرای جنایی تهران گفت: همچنین وکیل متهم در لایحه‌ای عنوان کرده مقتوله با توجه به دلایلی مهدورالدم است و وکیل در دلایل خود صرفاً به اظهارات متهم اشاره می‌کند که قابل پذیرش نیست. متهم نیز اقرار دارد که هدف از قتل اختلافات خانوادگی بوده و دلایلی بر مهدورالدم بودن مقتول وجود ندارد گرچه بررسی ادعای مهدورالدم در صلاحیت دادگاه است و قطعاً نیاز به رسیدگی ماهوی دارد.

شهریاری همچنین به شناسایی افرادی با نامهای حسین، نرگس، فرشته، داوود و جواد اشاره کرد و گفت: در تحقیقاتی که از تمامی این افراد صورت گرفته گفته‌اند که به خاطر روابط کاری با مقتوله آشنا بودند اما هیچ رابطه نامشروعی با او نداشتند.

سرپرست دادسرای جنایی تهران گفت: متهم اعلام کرده که مقتوله در روزهای آخر قصد افشاکاری از طریق مصاحبه با خبرنگار انصاف‌نیوز را داشته است که به همین دلیل خبرنگار انصاف نیوز رادعوت کردیم و از او تحقیقات لازم به عمل آمد. طبق تحقیقات صورت گرفته از معصومه رشیدیان او گفته که به دنبال علت استعفای شهردار تهران بوده سوالاتی در این رابطه برای همه وجود داشته است لذا از طریق یک کانال تلگرامی شماره میترا استاد را پیدا کرده و در تاریخ 11 آبان 97 مصاحبه‌ای با او انجام داده و قرار بوده مصاحبه دیگری در دی 97 انجام شود که به بعد موکل می‌شود. میترا استاد در تاریخ 6 خرداد تماس گرفته و برای 7 خرداد قرار مصاحبه می‌گذارد اما شب قبل از وقوع قتل به خبرنگار پیامک می‌دهد که سفری برایش پیش آمده و نمی‌تواند مصاحبه را انجام دهد و مصاحبه را به روز دیگر موکل می‌کند. بنابراین این اظهارات دلیل دیگری بر کذب بودن ادعای متهم است.

وی انگیزه متهم را از قتل را صرفاً اختلافات خانوادگی طی یک سال زندگی زناشویی اعلام کرده و گفت: به محض معرفی متهم به نیروی انتظامی اقدامات لازم برای بررسی وضعیت روحی و روانی او صورت گرفت و طبق اظهارات پزشکی قانونی متهم هیچگونه مشکل روانی در زمان وقوع قتل نداشته، البته سابقه‌ای از افسردگی در گذشته داشته است که اقدامات پزشکی لازم برای آن انجام نشده است.

وی ادامه داد: متهم و وکیل وی به نظر پزشکی قانونی اعتراض کردند که موضوع به هیئت سه نفره ارجاع شد و هیئت سه نفره نیز نظریه اولیه کارشناسی را تایید کردند.

شهریاری اولیای دم مقتول را پدر، مادر و فرزند وی خواند و افزود: اولیای دم مقتول با حضور در شعبه بازپرسی همگی تقاضای قصاص متهم را کرده‌اند.

در ابتدای این جلسه قاضی محمد شهریاری سرپرست دادسرای امور جنایی تهران و نماینده دادستان تهران در پایان قرائت کیفرخواست، گفت: اینجانب به مانند تمامی پرونده‌های دیگر، طرفین را توصیه به صلح و سازش می‌کنم، در این پرونده بعضاً ایراد گرفته شد که پروسه تحقیقات در مدت 4 روز انجام شد.

وی با بیان اینکه پروسه تحقیقات نه در مدت 4 روز بلکه به مدت یک هفته زمان برد، افزود: صدور کیفرخواست در مدت زمان کوتاه، در پرونده‌های دیگری نیز وجود داشته است، به طور مثال در پرونده قتل آقای شیرمحمدعلی، کیفرخواست در مدت 48 ساعت صادر شد.

در ادامه جلسه قاضی محمدی کشکولی با بیان اینکه برخی از مطالب مطرح شده توسط نماینده دادستان، باید در جلسات غیرعلنی مطرح می‌شد، از رسانه‌ها خواست در انتشار مطالبی منافی عفت و اخلاقی مطرح شده در جلسه دادگاه مراعات لازم را انجام دهند.

در ادامه دادگاه قاضی محمدی کشکولی از دو وکیل اولیای دم مقتول خواست در جایگاه حاضر شوند که یکی از وکلای اولیای دم با حضور در جایگاه خواستار حکم قصاص برای متهم شد و عنوان داشت: پس از صحبت‌های سایر نفرات به ایراد سخن می‌پردازد.

در ادامه قاضی محمدی کشکولی از زهرا نجفی (دختر محمدعلی نجفی) به عنوان نخستین افرادی که پس از وقوع جرم، در صحنه جرم حضور داشتند، خواست در جایگاه حاضر شود که زهرا نجفی پس از حضور در جایگاه، گفت: مورخ 7 خرداد 98 آقای آقازاده (راننده پدرم) با دو کیف به منزل ما آمد، داخل کیف نامه‌ای 3 صفحه‌ای بود که در نهایت با همسرم تماس گرفتم و به

همراه آقای آقازاده به منزل پدرم در برج دوبرال رفتیم.

وی افزود: در مقابل در خانه، از آقای آقازاده خواستم چند بار زنگ منزل را بزنم، او نیز این کار را کرد اما کسی پاسخگو نبود، سپس با کلید در را باز کرده و در مقابل در نیز از آقای آقازاده خواستم خانم استاد و پدرم را صدا بزنم، همان لحظه پسر خانم استاد از راه رسید، آقای آقازاده به سمت اتاق خواب و سرویس بهداشتی رفت و همسرم علیرضا نیز به دنبال آقای آقازاده رفت، سپس من به دنبال آنها رفتم که با جسد مقتول مواجه شدیم، شوکه شده بودیم، با دست زدن به بدن خانم استاد، فهمیدم بدن وی سرد است.

در این حین قاضی کشکولی از زهرا نجفی خواست که نحوه اطلاع از موضوع را تشریح کند که زهرا نجفی گفت: حدود ساعت 12 تا 12:30 به منزل پدرم رسیدیم، پسرش نیز همان موقع رسید، به ترتیب آقای آقازاده، همسرم و من با جسد مواجه شدیم، براساس نامه پدرم که نوشته شده بود انا و انا الیه راجعون، ترجیح دادم به منزل پدرم بروم، چون می‌ترسیدم او خودش را بکشد.

قاضی کشکولی از زهرا نجفی درباره نحوه دسترسی به نامه پدرش پرسید که زهرا نجفی گفت: آقای آقازاده نامه‌ها را به من رساند، مطلع نبودم که او می‌خواهد کیفی بیاورد، آقای آقازاده هراسان بود که من از وی خواستم همسرم نیز به منزل بیاید و سپس به منزل پدرمان برویم.

وی ادامه داد: من و همسرم با یک خودرو و آقای آقازاده با خودروی دیگری راهی منزل پدرمان شدیم، آقای آقازاده می‌گفت پدرم را شلوارکی خونی دیده و نگران بود که اتفاقی افتاده باشد.

قاضی کشکولی از زهرا نجفی پرسید: از صحنه عکسی گرفته شده که جسد به هم نخورده است اما پس از آن جسد جابه‌جا شده، عکس را چه کسی گرفته که زهرا نجفی گفت، همسرم زمانی که بر بالین خانم استاد رسید متوجه تیرخوردن وی نشده بود که با اورژانس تماس گرفت و اپراتور اورژانس عنوان داشت که وی را روی زمین بخواهید من نیز عکس گرفتم که نشان دهم خانم استاد در حالت نشسته قرار داشته و ما به خاطر اعلام اورژانس وی را جابه‌جا کردیم.

زهرا نجفی ادامه داد: همسرم در ابتدا متوجه گلوله خوردن خانم استاد نشده بود و مطابق حرف‌های اپراتور اورژانس شروع به ماساژ قلبی کرد که من روی سینه خانم استاد نقطه گردی و سوراخی را دیدم که حین ماساژ نیز از آن نقطه خون خارج می‌شد، دیدم دو پوکه افتاده است و متوجه گلوله خوردن خانم استاد شدم که به همسرم گفتم ماساژ را ادامه ندهد.

وی ادامه داد: غیر از ما کسی جسد را ندید، پسر خانم استاد سعی داشت جسد مادرش را ببیند که همسرم علیرضا تلاش کرد مهیار این صحنه را نبیند و به همسرم گفتم مهیار را بیرون ببرد، مقداری خون داخل وان و کف حمام وجود داشت البته خشک شده بود، زمانی که اورژانس رسید، گفت، این اتفاق 2 تا 3 ساعت قبل روی داده است.

قاضی کشکولی از زهرا نجفی پرسید آیا جسد برهنه بوده که زهرا نجفی با تأیید این مطلب گفت: حوله سفیدی روی جسد قرار داشت.

قاضی کشکولی از زهرا نجفی پرسید در عکس بالش روی جسد قرار دارد که زهرا نجفی گفت بالش روی جسد نبود و روی کف حمام قرار داشت.

در ادامه جلسه دادگاه قاضی کشکولی از داماد محمدعلی نجفی خواست در جایگاه حاضر شود که علیرضا بدری داماد محمدعلی نجفی متولد 1367 با حضور در جایگاه درباره مشاهدات خود از صحنه قتل گفت: حدود ساعت 10 تا 10:30 روز حادثه سر کار بودم که خانم تماس گرفت و گفت اتفاق بدی افتاده و از من خواست خودم را به منزل برسانم، از سر کار به منزل رفتم، آقای آقازاده (راننده آقای نجفی) پریشان در منزل ما بود، خانم گفت بابا نامه‌ای داده و گفته است انا و انا الیه راجعون، نامه را سریعاً توری کردم، زیاد بود، پاراگراف آخر آقای نجفی عذرخواهی کرده و حلاوت خواسته بود.

وی افزود: همراه با همسرم و آقای آقازاده به منزل آقای نجفی رفتیم حدود ساعت 12 تا 12:15 به آنجا رسیدیم، از آقای آقازاده خواستیم در بزنم، گمان می‌کردم دکتر دچار مشکلی شده باشد و برای خانم استاد اتفاقی پیش نیامده باشد.

داماد محمدعلی نجفی ادامه داد: پس از ورود به منزل، آقای آقازاده داخل رفت و با فریاد وی، ما از ماجرا باخبر شدیم، حین ورود ما به منزل، مهیار نیز با پوشه‌ای در دستش داخل خانه شد که فکر کردیم از ساختمان نامه‌ای آورده، من و همسرم او را نمی‌شناختیم که راننده آقای نجفی او را به ما معرفی کرد، مهیار می‌گفت بابا، مادرم را کشته است، او خون کف حمام را دید اما سعی کردم داخل نروم و به مهیار گفتم حالت مادرت خوب است.

پس از قرائت کیفرخواست پرونده قتل میترا استاد، توسط معاون دادستان تهران، قاضی محمدی کشکولی ختم اولین جلسه رسیدگی به این پرونده را اعلام کرد.

به گفته محمدی کشکولی، جلسه دوم روز چهارشنبه 26 تیر برگزار می‌شود.

برجسب ها: شهرداری [1]

